

۵ × ۱

پنج تک گویی برای زنان

از نیل لیبوت، بتی شامیه، آن وولر،
آنا دیور اسمیت، نینا شنگولد
ترجمه‌ی فریدالدین سلیمانی

| فهرست |

بازگشت مده‌آ/ نیل لیوت	۱۱
تمام/ بتی شامیه	۳۵
مراقبت از پرندگان کوچک/ آن وولر	۵۳
گرگ و میش/ آنا دیور اسمیت	۷۱
سالروز وفات/ نینا شنگولد	۸۱

چیزی دستگیرت نمی شه ... [مکث] داستان از این قراره،
می شنوی چی می گم، آره، درسته؟ می شنوی؟ گمونم ...
[صحبت را آغاز می کند، سپس صبر می کند، وضعیت را سبک سنگین
می کند. سرانجام دوباره بسیار آرام حرف زدن را آغاز می کند.]

... می دونی جالبه که همه چی چطوری پیش می ره و از کار
در می آد. خب. «در می آد» نه، نه اون قدر، یحتمل همون
«پیش می ره» بهتره. نه؟ همه چی چطور پیش می ره ... یا
خودشو پیش می بره؟ ماها احتمالاً خیلی کاری به این
کارا نداریم. خوش داریم هر کاری تو فکر مونه انجام بدیم
نه؟ خدایا، انگاری که درگیر تصمیمات بزرگ کهکشانی
و این جور مزخرفاتیم. ولی، آها ... می خوام حس و حال
منو بدونی، به نظر من داریم همین جوری ول می چرخیم
این جا، کاملاً خارج از چرخه، هیچ راهی هم نداره که
برگردیم به مسیر اصلی، منظورم اینه که بیفتیم رو غلتک یا
یه همچین چیزی ... نمی تونیم، همین و بس. ببین، این قدر
زمان طولانی ای همه ی کارا رو اشتباه انجام دادیم که دیگه
همه کم فکر می کنن درستش همینه، می فهمی؟ انگار
از اولش هم باید همین جوری می بود. [مکث] یه کلمه ی
یونانی واسه این جور وقتا هست ... تو مدرسه یاد گرفتم.
اون بهم یاد داد ... خب، گمونم بهتره بگم از اون «شنیدم»،

اگه یاد گرفته بودم که می‌تونستم بهت بگم چیه، مگه نه؟
 آره، می‌دونم یونانی بود، این قدر یادم مونده و یاد گرفته‌م،
 ولی یادم نمی‌آد چی بود کلمه‌هه...

[چند ثانیه‌ای در سکوت فکر می‌کند.]

نه ... الان خیلی گذشته از اون وقتا. یه بلایی سر این
 دنیا آوردن، کل قضیه انگاری از مدارش خارج شده یا یه
 همچین چیزی، داره کلاً نسبت به اون راهی که باید بره
 و اون چیزی که باید باشه اشتباهی می‌ره. و اینم تقصیر
 آدماست. یا «موجودات فانی» اون جور که معلم
 می‌گفت: «موجودات فانی باید سرزنش بشن.» می‌بینی،
 من هیچ وقت نتونستم منظورشو بفهمم، شاید واسه خاطر
 اینکه خوب گوش نمی‌دادم، این مشکل همیشگی‌م بود،
 ولی می‌گفت: «حقیقت ساده همینه.» می‌گفت همه‌چیز
 ریشه در فانی بودن ماها داره. درسته؟ [مکث] خب، پس هر
 مشکلی ما داریم واسه اینه که فانی هستیم ... یا انسانیم،
 معنای «فانی» همینه دیگه ... و صاف به خاطر این چیزی
 که هستیم، همین «فانی»، همه‌چی تقصیر ماست. می‌شه
 اینو واسه‌م توضیح بدی؟ ...

[برای لحظه‌ای صبر می‌کند و سیگاری می‌گیراند.]

می‌دونی، خیلی وقتا حالیم نمی‌شد چی از دهنش در